

شیرین عبادی در برلین: علیرغم انتقاداتی که به رژیم ایران دارم، حاضر نیستم حتی یک سرباز آمریکایی پایش را به خاک ایران بگذارم

صدای آلمان: شیرین عبادی حقوقدان ایرانی و دارنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل که به مناسبت انتشار کتاب خاطراتش تحت عنوان «ایران من» به زبان آلمانی، به پایتخت آلمان سفر کرده است، روز چهارشنبه ۱۹ آوریل ۲۰۰۶ در یک کنفرانس مطبوعاتی در این شهر شرکت کرد و به پرسش‌های روزنامه‌نگاران پاسخ داد.

در آغاز از طرف بنگاه انتشارات Pendo در آلمان، به شیرین عبادی خوش‌آمد گفته شد و از وی به عنوان نخستین قاضی زن در ایران که پس از انقلاب اسلامی از سمت خود برکنار شد و نیز برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل ستایش به عمل آمد. در معرفی کتاب خاطرات (اتوبیوگرافی) شیرین عبادی گفته شد که این کتاب بطور همزمان در ۱۲ کشور جهان منتشر گردیده و سندی برجسته برای دلیری و فعالیت سیاسی است که همزمان نگاهی ژرف به درون زندگی نویسنده را ممکن می‌سازد.

شیرین عبادی در سخنان خود نخست از حضور روزنامه‌نگاران سیاست‌گزاری کرد و یادآور شد که سفر وی به برلین به دلیل انتشار کتاب زندگینامه‌اش صورت پذیرفته است. این کتاب خاطرات زندگی او از ایام کودکی تا زمان دریافت جایزه‌ی صلح نوبل را دربرمی‌گیرد .

عبادی گفت که چندین رویداد مهم سیاسی از سقوط مصدق تا انقلاب اسلامی را در زندگی تجربه کرده و به مناسبت شغلی درگیر پرونده‌های مهمی بوده است. همچنین شاهد تولد جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های غیردولتی (NGO) در ایران بوده و خود نیز نقش کوچکی در ایجاد آن‌ها داشته است. وی افزود که پرونده‌هایی در اختیار داشته است که شرح هر یک از آن‌ها می‌تواند موضوع کتاب جداگانه‌ای باشد .

عبادی خاطر نشان ساخت که به عنوان زنی از یک خانواده‌ی متوسط، در زندگی راه دشواری را پیموده و اعتلای اجتماعی او نتیجه‌ی مستقیم فعالیت و پشتکار شخصی بوده است. او در یک کشور اسلامی زندگی می‌کند و به دلیل زن بودن، شغل مورد علاقه‌اش یعنی قضاوت را از دست داده است. وی در جامعه‌ی پدرسالاری به دنیا آمده است که در آن گواهی دو زن هم‌ارزش گواهی یک مرد است. این‌ها نشانگر آن است که شرایط مساعدی برای رشد و ترقی نداشته است، اما علیرغم تمام این مشکلات، تا حدودی توانسته است به خواسته‌های خود جامعه‌ی عمل پیوشاند.

شیرین عبادی گفت که مخاطبین اصلی او در کتابش زنان در کشورهای اروپایی و آمریکا هستند و او می‌خواهد به آنان نشان دهد که در جوامعی زندگی می‌کنند که پیروزی برایشان بسیار آسان‌تر به دست می‌آید. با این حال مایل است بگوید که هر انسانی معمار سرنوشت خویش است.

در بخش پرسش‌های روزنامه‌نگاران، از شیرین عبادی توضیحی در مورد فعالیت جدید وی به عنوان یک نویسنده خواستند. وی در پاسخ گفت که او یک فعال حقوق بشری است و قصد فعالیت‌های دیگری را ندارد و در بازی‌های قدرت نیز وارد نخواهد شد.

پرسش دیگر این بود که آیا تحولات رأس هرم قدرت در ایران و تهدیدهای آمریکا نسبت به ایران وی را نگران می‌سازد؟ عبادی در پاسخ گفت که در سفر به آمریکا متوجه شدم که رسانه‌های این کشور مشغول آماده‌سازی افکار عمومی برای اقداماتی علیه ایران هستند و نمی‌دانم آیا این یک جنگ روانی است یا مقاصد سیاسی را نیز دنبال می‌کند. اما مایلم به عنوان یک ایرانی بگویم که علیرغم انتقاداتی که به رژیم ایران دارم، حاضر نیستم حتی یک سرباز آمریکایی پایش را به خاک ایران بگذارد. عبادی افزود که هفته‌ی گذشته در جلسه‌ای با خانم جودی ویلیامز برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل در آمریکا شرکت کردم. هر دوی ما به عنوان برندگان جایزه‌ی صلح نوبل از ایران و آمریکا، در اعلامیه‌ی مشترکی از حکومت‌های ایران و آمریکا خواستیم که اختلافات خود را از طریق مذاکرات حل کنند. این مذاکرات باید در سطح حکومت‌ها، پارلمان‌ها و سازمان‌های غیردولتی هر دو کشور باشد.

روزنامه‌نگاری پرسید که شما مخاطبان اصلی را در کتابتان زنان در غرب می‌دانید، اما فمینیست‌ها و فعالان حقوق زنان در این کشورها نظرشان با شما یکی نیست. این امر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ عبادی در پاسخ گفت که درست به این دلیل که نظریات گوناگون وجود دارد دنیا زیباست. آرزوی من برای همه‌ی زنان چه در ایران و چه در غرب این است که به برابری کامل حقوقی با مردان دست یابند.

پرسش دیگر این بود که بردن جایزه‌ی صلح نوبل در کشور شما با استقبال و ستایش چندانی همراه نبود. بعدها حتی شما را به دادگاه فراخواندند. با این حال در ایران ماندید. این نیرو برای ماندن و پیکار کردن در ایران را از کجا کسب می‌کنید؟ عبادی در پاسخ گفت هنگامی که انسان به صحت راهی که می‌رود باور داشته باشد، مصمم باقی می‌ماند. من یک مسلمانم و به خدا اعتقاد دارم و این به من قدرت بیشتری می‌دهد. من ایرانی هستم و باید در ایران بمانم و امیدوارم که سرانجام نیز در ایران بمیرم.

از عبادی پرسیده شد که آیا جایزه‌ی صلح نوبل زندگی او را تغییر داده است؟ وی در پاسخ گفت که این جایزه زندگی شخصی مرا تغییر نداده است. همچنان مثل سابق آشپزی می‌کنم و به خرید می‌روم و در همان آپارتمان سابق خود زندگی می‌کنم و مبلمان آن را هم تغییر نداده‌ام. باز هم مثل سابق وقتی شب‌ها به خانه می‌رسم ارتباط تلفن خود را قطع می‌کنم تا فقط مادر و همسر باشم. اما در زمینه‌ی شغلی جایزه‌ی نوبل اگر چه نوع کار مرا تغییر نداده است، ولی بر آن افزوده است. این جایزه در عین حال بلندگوها و تریبون‌های بیشتری برایم ایجاد کرده است تا حرفم را بزنم.

روزنامه‌نگاری از شیرین عبادی پرسید که روی کار آمدن احمدی‌نژاد برای او به عنوان یک فعال حقوق بشر چه دگرگونی‌هایی در برداشته است و آیا صحت دارد که از طرف او در هلند نقل قول کرده‌اند که در صورت بازگرداندن همجنسگرایان به ایران خطری متوجه آنان نیست تا وقتی که دست به عمل همجنسگرایانه نزده باشند. آیا به این ترتیب همجنسگرایان ناچار نیستند بر احساسات خود سربوش بگذارند؟ عبادی در پاسخ پرسش نخست گفت که چهار سال پیش به همراه چند وکیل دیگر، کانونی در دفاع از حقوق بشر در ایران تأسیس کردیم. یکی از وظایف این کانون به عنوان یک سازمان غیردولتی، دفاع از متهمان سیاسی بطور رایگان است. حدود ۸۰ درصد زندانیان سیاسی از طرف این کانون دفاع شده‌اند. وظیفه‌ی دیگر این کانون انتشار گزارشی در مورد حقوق بشر در پایان هر فصل است. بسیاری از مؤسسات حقوق بشری دنیا به این گزارشات استناد می‌کنند. از ابتدای تأسیس این کانون ما درخواست ثبت رسمی آن را کرده‌ایم تا نشان دهیم که فعالیت ما علنی و آشکار است. مشکل قانونی هم در پرونده نداریم. علیرغم پشتیبانی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی از ما و از جمله اعطای جایزه‌ی حقوق بشر یک سازمان غیردولتی فرانسوی به این کانون، تا کنون دولت ایران به درخواست ثبت کانون ما پاسخ نداده است. در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی پاسخ ندادند و اینک نیز در زمان آقای احمدی‌نژاد حاضر نیستند پاسخ دهند. به این ترتیب می‌بینید که وضع همان است که بود.

و اما در مورد نقل قول‌هایی که اینجا و آنجا از من می‌شود باید بگویم که مسأله‌ی تازه‌ای نیست. گاهی حتا امضای مرا بدون اطلاع زیر اعلامیه‌ای می‌گذارند که روحم از آن خبر ندارد. از آنجا که نمی‌توانم تک تک این نقل قول‌ها را بخوانم و تکذیب کنم، بارها گفته‌ام که نظریات من در کتاب‌هایم و نشریات رسمی حقوق بشری منتشر می‌شود. در مورد همجنسگرایی باید بگویم که الان در ایران به موجب قانون، مجازات همجنسگرایی برای مردان اعدام و برای زنان صد ضربه شلاق است. و اگر زنی سه بار مجازات شود بار چهارم اعدام می‌شود. این نحوه‌ی برخورد با همجنسگرایان طبق قانون در ایران است. این

چنین مجازات‌های سنگین در دنیای حقوق بشر جایز نیست. خصوصاً اینکه علم ثابت کرده است که همجنسگرایی مسأله‌ای ژنتیک است. بنابراین تعیین مجازات برای کسی که در ایجاد ژن هیچ نقشی نداشته، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

از عبادی پرسیده شد که شما گفتید تصاویری که در غرب در رابطه با ایران پخش می‌شوند، می‌خواهند افکار عمومی را برای حمله به ایران آماده کنند. در این تصاویر چه چیز نادرستی وجود دارد؟ عبادی در پاسخ گفت که در دنیا فقط سیاه و سفید نداریم و رنگ‌های زیادی بین آن‌ها وجود دارد. من به عنوان یک فعال حقوق بشر بر این اعتقادم که باید با صداقت با مردم صحبت کرد. سیاه‌تر یا سفیدتر جلوه دادن اوضاع یک کشور هیچکدام صحیح نیست. اگر کشوری خطا کند پاداشش حمله‌ی نظامی توسط کشور دیگر نیست. منظورم حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق است. در اینکه صدام حسین یک دیکتاتور بود حرفی نیست. اما سقوط این دیکتاتور به چه بهایی برای مردم عراق تمام شد؟ موزه‌های عراق غارت و صنایع‌اش ویران شد. تا کنون بیش از ۱۰۰ هزار غیرنظامی و از جمله کودک جان باخته‌اند. امنیت عمومی همین است که می‌بینید یعنی هر روز عده‌ای با بمب و ترور کشته می‌شوند. متأسفانه عراق در آستانه‌ی یک جنگ داخلی قرار گرفته است و این‌ها تمام از نتایج حمله‌ی خودسرانه‌ی آمریکاست. جالب است که یکسال پیش از حمله به عراق، تمام رسانه‌ها علیه صدام حسین صحبت می‌کردند و فراموش کرده بودند که او روزی دوست نزدیک آمریکا بوده است.

آخرین پرسش این بود که غرب چه سیاستی باید در پیش گیرد تا ایران بتواند هدفش را از اینکه در صدد استفاده‌ی صلح آمیز از انرژی هسته‌ای است به اثبات برساند. شما از «وسایل هوشمندانه» صحبت کرده‌اید، منظورتان از آن چیست؟ شیرین عبادی در پاسخ گفت که دولت ایران ادعا می‌کند که قصد استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را دارد. می‌توان پرسید آیا این ادعا صحت دارد؟ من هیچوقت داخل حکومت نبوده‌ام و نمی‌دانم در اتاق‌های در بسته چه می‌گذرد. اما به عنوان یک شهروند و فعال حقوق بشر در این مورد نظری دارم. با استقرار پیشرفته‌تر دموکراسی در ایران، این مسأله می‌تواند قابل کنترل‌تر باشد. می‌دانیم در ایران مردم آزاد نیستند تا یک نماینده و یا رئیس جمهوری برگزینند و باید قبلاً صلاحیت کاندیداها از طرف شورای نگهبان تأیید شود. هر کس انتقادی به عملکرد دولت داشته باشد رد صلاحیت می‌شود. بنابراین دموکراسی در ایران بصورت کامل اجرا نمی‌شود. اما در یک جامعه‌ی واقعاً دموکراتیک مردم بر همه‌ی کارهای حکومت نظارت دارند و می‌توانند در مورد آن‌ها قضاوت کنند. یک شهروند غربی مثل من نمی‌گویم

نمی‌دانم در اتاق‌های در بسته چه می‌گذرد. بنابراین با دمکراسی پیشرفته‌تر
می‌توان این اطمینان را به دنیا داد.

بهرام محیی، گزارشگر صدای آلمان در برلین